

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضاء در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب..... با شماره داوطلبی..... با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره سندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کدکنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخنامه ام را تأیید می نمایم.

امضاء:

۱- توضیح مقابل کدام واژه، نادرست است؟

- ۱) گرتهداری: طراچی چیزی به کمک گرده یا خاکه زنگ یا زغال.
- ۲) حماسه: نوعی از شعر که در آن از جنگها و دلاوریها سخن می رود.
- ۳) شهنواز: یکی از آهنگهای موسیقی ایرانی، گوشه‌ای از دستگاه شور.
- ۴) کباده: کمانی از جنس چوب که در دو طرف آن زنجیری وصل شود.

۲- در کدام گزینه، معنی بعضی واژهها نادرست است؟

- ۱) (نوند: اسب) (سهم: تیر) (خایب: سخن چین)
- ۲) (جیب: یقه) (نژند: زبون) (راغ: صحرا)
- ۳) (هیئت: ظاهر) (گران: عظیم) (فرط: بسیاری)
- ۴) (متقارب: همگرا) (مقرون: همراه) (محضر: محل حضور)

۳- معنی واژه‌های زیر، به ترتیب، کدام است؟

«آخته، معوج، سجیه، شگرف»

- ۱) برکشیده، کج، عادت، نیرومند
- ۲) کشیده، ناراست، خصلت‌ها، عظیم
- ۳) بیرون آمده، نادرست، خوی‌ها، توانا
- ۴) تیز و برآن، انحراف، عادت، قوی

۴- املاي کدام گروه واژه‌ها، همگی درست است؟

- ۱) منزل غایی - ذنخدان و چانه - توزیع جوايز
- ۲) رشحه و قطره - عز و ذل - غرس و کاشتن
- ۳) شاعبه و گمان - آرم و حیا - منقلب و دگرگون
- ۴) ملک و حشم - مار قاشیه - اشباح و ماندها

۵- در کدام عبارت، غلط املايي وجود دارد؟

- ۱) شیر در ایثار او افراط کرده و به زلت و سست رایي منسوب گشته.
- ۲) یکی را از آنان که غدر کردند با من دم دوستی بود، ملامت و عتاب کردم.
- ۳) حاکم این سخن را عظیم بیسندید و اسباب معاش یاران فرمود و معونت ایام تعطیل وفا کرد.
- ۴) از حدت و سورت پادشاهان برحذر باید بودن که غالب همت ایشان به معظمت امور مملکت متعلق باشد.

۶- در کدام بیت، غلط املايي یافت می شود؟

- ۱) در اقلیم ایران چو خیلش بجنبند
 - ۲) خراج اگر نگزارد کسی به طیب نفس
 - ۳) ولی ز باطنش ایمن مباش و غره مشو
 - ۴) همین دو خصلت ملعون کفایت است تو را
- هزاهز در اقلیم توران نماید
به قهر ازو بستاند کمینه سرهنگی
که خبث نفس نگرده به سالها معلوم
غریب دشمن و مردار خار می بینم

۷- کدام آثار «همگی»، «نثر آمیخته به نظم» است؟

- ۱) اسرارالتوحید، روضه خلد، منطق الطیر، فیه مافیه
- ۲) مرصادالعباد، روضه خلد، کلیله و دمنه، جوامع الحکایات
- ۳) بهارستان جامی، تاریخ بیهقی، قصه شیرین و فرهاد، تمهیدات
- ۴) گلستان سعدی، تذکره الاولیا، حمله حیدری، قصص الانبیا

۸- در کدام بیت، بیشترین تشبیه وجود دارد؟

- (۱) چون تو خورشیدی نتابیده است در ایوان حُسن
- (۲) شب فراق که داند که تا سحر چند است
- (۳) سوزن فکرت شکست رشته طاق‌گسیخت
- (۴) آشفته سخن چو زلف جانان خوشتر

۹- واژه «سر» در کدام بیت مجاز نیست؟

- (۱) کار با عشق فتاد، از سرم ای عقل برو
- (۲) عذری بنه اول که تو درویشی و او را
- (۳) مگر که سر بدهم و نه من ز سر نهم
- (۴) مشک با حلقه مویبت سر سودا دارد

۱۰- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات «هر دو» درست است؛ به جز:

- (۱) کمند زلف تو سر حلقهٔ نجات من است
- (۲) صبح امید خندهٔ شادی نمی‌کند
- (۳) صبر من بال لب شیرین تو ز اندازه گذشت
- (۴) قبول پرتو احسان ز آفتاب مکن

۱۱- آرایه‌های «تشبیه، مجاز، حسن آمیزی و اسلوب معادله» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) چون نباشد عید طفلان صحبت رنگین من؟
- (ب) از خیال یار دل شد کعبهٔ حاجت مرا
- (ج) غوطه در خون می‌دهد دل را فروغ داغ عشق
- (د) یک دل افسرده بی‌داغ از دم گرم نماند

(۱) ب، الف، د، ج (۲) ب، د، الف، ج

۱۲- نمودار کدام ترکیب، درست رسم شده است؟

(۱) حلقهٔ زلف سیاهش

(۳) غلام همت آن رند

(۲) حسرت آن لعل روانبخش

(۴) آن زیارتگه رندان جهان

۱۳- در کدام مصراع «نهاد + مفعول + مسند + فعل» یافت می‌شود؟

- (۱) بساز با من رنجور ناتوان ای یار
- (۳) به کام دل نرسیدیم و جان به حلق رسید

ذره‌ای چون من نرقصیده است در میدان عشق
مگر کسی که به زندان عشق در بند است
بس که ز نو دوختم چاک گریبان دل
چون کار جهان بی‌سروسامان خوشتر

چه دهی و سوسه دیدم هنری نیست تو را
در مملکت حسن سر تاجوری بود
امید وصل در این ره چو پای بنهادم
کج خیالی است مگر مشک ختا را سوداست

که رستم از همه تا صید این کمند شدم (پارادوکس - تشبیه)
تا نا امید از همه دنیا نمی‌شوی (تشبیه - استعاره)
تنگ شد حوصله تنگ شکری پیدا نیست (ایهام - تلمیح)
که ماه یک‌شبه را منتش دو تا کرده است (حسن تعلیل - استعاره)

می‌کند مجنون من دست نگارین سنگ را
نقش شیرین در نظرها ساخت شیرین سنگ را
می‌کند خورشید عالمتاب رنگین سنگ را
در بهار از لاله گردد چهره رنگین سنگ را

(۳) ج، ب، د، الف (۴) د، الف، ب، ج

(۲) به ناز گر بخرامی جهان خراب کنی
(۴) آب حیات من است خاک سر کوی دوست

- ۱۴- نقش ضمایر متصل مشخص شده، در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟
 «چو آیمنت که ببینم مرا ز کوی برانی»
 (۱) نهاد، متمم، مفعول
 (۲) نهاد، مفعول، مضاف‌الیه
 (۳) مفعول، متمم، مضاف‌الیه
 (۴) مفعول، مضاف‌الیه، مفعول
- ۱۵- کاربرد «را» در کدام بیت، با سایر ابیات تفاوت دارد؟
 (۱) گر تشنگان بادیه را جان به لب رسید
 (۲) باد بر بوی نسیم زلف سنبل در ختن
 (۳) گلدسته امیدی، بر جان عاشقان نه
 (۴) ماه روزه است و مرا شربت هجران روزی
- ۱۶- کدام واژه‌ها به ترتیب «اسم وندی، صفت وندی و صفت وندی - مرکب» اند؟
 (۱) بی‌تاب، جوشش، مشک به دوش
 (۲) شکسته، بی‌درد، خطرکننده
 (۳) تشنگی، پرگشوده، نیلی‌پوش
 (۴) عرشیان، علمی، دست بسته
- ۱۷- بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟
 «چنین است رسم سزای درشت
 (۱) آن پی مهر تو گیرد که نگیرد غم خویشش
 (۲) ما هیچ و جهان هیچ و غم و شادی هیچ
 (۳) شادی عالم چو سراسر غم است
 (۴) غم مخور زان که به یک حال نمانده است جهان
- ۱۸- کدام بیت با سایر ابیات، قرابت مفهومی ندارد؟
 (۱) خوش است با غم هجران دوست سعدی را
 (۲) مگر در این شب دیرانتظار عاشق‌کش
 (۳) مده به دست فراقم پس از وصال چو چنگ
 (۴) همه عمر در فراق بگذشت و سهل باشد
- ۱۹- همه ابیات با یکدیگر قرابت مفهومی دارند؛ به جز:
 (۱) گو برو در پس زانوی سلامت بنشین
 (۲) مترس از جان فشانی گر طریق عشق می‌پویی
 (۳) زبان تیشه با فرهاد گفتا در دم رفتن
 (۴) دل در طلب خنده شیرین تو خون شد
- چو خواهمت که در آیم درم به روی ببندی»
 (۲) نهاد، مفعول، مضاف‌الیه
 (۴) مفعول، مضاف‌الیه، مفعول
- تو خفته در کجاوه به خواب خوش اندری
 نافه را چندان دهد دم تا جگر پر خون کند
 تا رهروان غم را، خار از قدم برآید
 روز توبه است و تو را نرگس جادو سرمست
- گهی پشت زین و گهی زین به پشت»
 وان سر وصل تو دارد که ندارد غم سیلاب
 خوش نیست برای هیچ ناخوش بودن
 آن که بود شاد به عالم کم است
 شادی آید ز پی غصه و خیر از پی شر
- که گرچه رنج به جان می‌رسد امید دواست
 به وعده‌های وصال تو زنده دارندم
 که مطربش بزند بعد از آن که بنوازد
 اگر احتمال دارد به قیامت اتصالی
- آنکه از دست ملامت به فغان می‌آید
 چو اسماعیل باید سر نهادن روز قربانی
 که راه کوی شیرین را ز سر باید قدم کردن
 جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد

۲۰- مفهوم کدام بیت، با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

از ورق گردانی باد خزان غافل مباش
آشنایان را در ایام پریشانی بپرس
در خزان از بلبلان ای باغبان غافل مباش
چو بیکاران به ناخن گردن خود را مخار اینجا

(۱) چون گل رعنا خزان را در قفا دارد بهار
(۲) شانه می‌آید به کار زلف در آشفستگی
(۳) وقت بی‌برگی کرم با بینوایان خوش نماست
(۴) گره تا می‌توانی باز کن از کار محتاجان

۲۱- ابیات زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

وی آینهٔ جمال شاهی که تویی
در خود بطلب هر آن چه خواهی که تویی
در آن عالم به صد حسرت نشینی
امروز جای خویش چه باید بصر مرا
و آنچه خود داشت ز بیگانه تمّای کرد
تمام عمر با خود بودی و نشناختی خود را

«ای نسخهٔ نامه الهی که تویی
بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست
(۱) اگر امروز این عالم نبینی
(۲) گر من در این سرای نبینم در آن سرای
(۳) سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد
(۴) دمی با حق نبودی چون زنی لاف شناسایی

۲۲- مفهوم کلی همه ابیات با یکدیگر تناسب دارند؛ به جز:

تو خود هم گوهری گر تربیت یابی و هم کانی
چرا تا دست و بازویت هست از کار وامانی
چو اسب و توشه داری از چه اندر راه حیرانی
چه کاری می‌توان از پیش بردن با تن‌آسانی

(۱) چه کوشی بهر یک گوهر به کان تیره هستی
(۲) چرا تا زر و داروویت هست از درد بخروشی
(۳) چو زرع و خوشه داری از چه معنی خوشه‌چین هستی
(۴) چه زنگی می‌توان از دل ستردن با سیه‌رایی

۲۳- مفهوم آیه «تَعَزَّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَذَلُّ مِنْ تَشَاءٍ» از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

به هر چه رنج برد در دسر بیفزاید
نومید نگردی که خداوند کریم است
نژند آن دل، که او خواهد نژندش
می‌کند خاک برای همه کس جا خالی

(۱) خدای، کار چو بر بنده‌ای فرو بندد
(۲) صائب به گناه دو جهان از کرم او
(۳) بلند آن سر، که او خواهد بلندش
(۴) عزّت شاه و گدا زیر زمین یکسان است

۲۴- مضامین ابیات، در کدام گروه مشترک است؟

که بر بخردان این سخن روشن است
شهباز به منت و گدازاده به ناز
به فرهنگ باشد روان تندرست
پراگنده شد نام دیوانگان
صد پیرهن حریر پوشیده پیاز

الف) مرا در نهانی یکی دشمن است
ب) فریاد ز دست فلک سفله نواز
ج) گهر بی‌هنر زار و خوار است و سست
د) نهان گشت کردار فرزنانگان
ه) نرگس ز برهنگی سرافکنده به پیش

(۳) ب، د، ه

(۱) الف، ب، ه

(۴) الف، د، ج

۲۵- مفهوم همهٔ ابیات یکسان است؛ به جز:

دولت خورشید را دارد به پا افتادگی
ما سبک مغزان کجاییم و کجا افتادگی
هر که گیرد همچو شبنم از هوا افتادگی
خوش بود چون سایه از بال هما افتادگی

(۱) سرفرازی را نباشد جنگ با افتادگی
(۲) رفت در بیهوده‌گردی عمر ما چون گردباد
(۳) از عزیز می‌گذارد پا به چشم آفتاب
(۴) از تواضع دولت افزایش سعادت‌مند را